

توقیف اموال ایران در آمریکا از دیدگاه حقوق بین‌الملل

و رسالت رسانه‌های برون‌مرزی

(با تأکید بر عملکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره مصونیت دولت‌ها، دعوی آلمان علیه ایتالیا، دعوی ۲۰۱۶ ایران علیه آمریکا، احکام صادره محاکم آمریکا، کانادا و لوکزآمبورگ) سید حسام‌الدین لسانی^۱، احمد کاظمی^۲

چکیده

علیرغم اینکه مصونیت دولت‌ها از صلاحیت محاکم ملی، قاعده حقوق بین‌الملل عرفی می‌باشد اما برخی قدرت‌ها برای افزودن استثناء به آن تلاش می‌کنند. تصویب کنوانسیون مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها پس از ۲۷ سال مطالعه کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۰۴ نشان داد که جامعه بین‌المللی تحول مصونیت دولت‌ها از مطلق به محدود را پذیرفته است و استثنائات آن را مواردی نظیر قراردادهای تجاری، مالکیت و موافقت‌نامه‌های داوری می‌داند. با این وجود مصوبه ۱۹۹۶ کنگره آمریکا، احکام محاکم آمریکا، کانادا و لوکزآمبورگ علیه ایران نشان‌دهنده تلاش برخی کشورها برای ایجاد استثنائات جدید به بهانه تروریسم، نقض حقوق بشر و قواعد آمره می‌باشد. دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۱۲ در دعوی آلمان علیه ایتالیا با تأکید تاریخی بر خدشه‌ناپذیر بودن اصل مصونیت دولت‌ها به‌عنوان قاعده حقوق بین‌الملل عرفی نشان داد که از نظر دیوان، نقض این اصل می‌تواند ثبات بین‌المللی را به مخاطره بیندازد. از سال ۲۰۱۶ با شکایت ایران علیه آمریکا (پرونده موسوم به برخی از اموال ایران) و دستور موقت ۳ اکتبر ۲۰۱۸ دیوان مبنی بر داشتن صلاحیت رسیدگی به این پرونده، دیوان در معرض آزمون تاریخی دیگری برای دفاع از اصل مصونیت دولت‌ها قرار گرفته است. طبیعتاً تکرار رویه دیوان در این پرونده گام بلندی برای صیانت از قاعده عرفی مصونیت دولت‌ها از دکترین‌های جدید خواهد بود.

کلید واژه‌ها: مصونیت دولت‌ها، دیوان بین‌المللی دادگستری، حقوق بین‌الملل عرفی، دعوی آلمان علیه ایتالیا، شکایت ایران، محاکم آمریکا، کانادا، لوکزآمبورگ.

lesani77@yahoo.com

^۱. نویسنده مسئول: عضو هیات علمی دانشگاه حضرت معصومه (س) قم، ایران.

bm.kazemi@irib.ir

^۲. دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۱- مقدمه

مصونیت دولت به‌عنوان عدم صلاحیت محاکم قضایی دیگر دولت‌ها برای رسیدگی به دعاوی علیه آن دولت تعریف می‌شود. در طول تاریخ همواره دولت‌ها برای خود مصونیت مطلق قائل بودند. مصونیت مطلق دولت‌ها به‌عنوان یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی پذیرفته شده است.^۱ این قاعده از اصل برابری حاکمیت دولت‌ها مندرج در بند ۱ ماده ۲ منشور مشتق می‌شود که یکی از اصول اساسی نظم حقوقی بین‌المللی به‌شمار می‌آید. در بند ۱ ماده دوم منشور سازمان ملل آمده است: «سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت همه اعضا آن قرار دارد» (UN, 2017). علیرغم کش‌وقوس‌های فراوان حقوق بین‌الملل، در هیچ کدام از کنگره‌های بین‌المللی یا معاهدات چندجانبه از وستفالی در سال ۱۶۴۸ تا دو کنفرانس لاهه در سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷، هیچ مقرره یا توافقی که مؤید خدشه بر مصونیت مطلق دولت‌ها شود، وجود نداشته است. در وستفالی بر حقوق برابر کشورها به‌عنوان واحدهای سیاسی مستقل برای نخستین بار تأکید شد (نقیب‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۸۷).

زمزمه‌هایی که قبل از جنگ جهانی دوم درباره لزوم استثناء بر مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها مطرح بود، پس از جنگ جهانی دوم به سه دلیل تحول جدی یافت. اول: اینکه مداخله دولت در امور تجاری باعث شد که این دکترین که میان مصونیت در اعمال حاکمیتی^۲ دولت‌ها با اعمال تصدی^۳ آن‌ها تمایز قائل می‌گردید، طرفداران زیادی پیدا کند. دوم سوسیالیستی بودن نظام شوروی که کل اقتصاد کشور را در انحصار داشت، با اجرای اصل مصونیت مطلق، مشکلات متعددی برای طرف‌های تجاری ایجاد می‌کرد. سوم توسعه سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی که در اساسنامه خود و با پذیرش آراء داوری، داوطلبانه از مصونیت خود عدول کردند.

مجمع عمومی سازمان ملل در دوم دسامبر ۲۰۰۴ کنوانسیون مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آن‌ها را تصویب کرد (موسوی، ۱۳۸۵). این کنوانسیون برای امضای کشورها از ۱۷ ژانویه ۲۰۰۵ تا ۱۷ ژانویه ۲۰۰۷ در مقر سازمان ملل مفتوح گردید. در این مدت، سی

^۱. برای اطلاعات بیشتر درباره مصونیت دولت‌ها و سیر تطور آن به کتاب State Immunity in International Law نوشته Xiaodong Yang که در ۲۰۱۵ از سوی کمبریج منتشر شده است، مراجعه گردد (Yang, 2015).

^۲. Acta Jure Imperii

^۳. Acta Jure Gestionis

کشور، کنوانسیون مذکور را امضا کردند که عبارت‌اند از: اتریش، بلغارستان، چین، چک، دانمارک، استونی، فنلاند، فرانسه، ایسلند، هند، ایران، ژاپن، قزاقستان، لبنان، ماداگاسکار، مکزیک، مراکش، نروژ، پاراگوئه، پرتغال، رومانی، روسیه، عربستان سعودی، سنگال، سیرالئون، اسلواکی، سوئد، سوئیس، تیمور شرقی و انگلیس (CAHDI, 2011:4).

تصویب این کنوانسیون به معنای پذیرش دکترین «مصونیت محدود دولت» می‌باشد. تئوری مصونیت محدود مبتنی بر این فرض است که چون دولت‌ها در بسیاری از امور بازرگانی مستقیماً مداخله می‌نمایند، دیگر نمی‌توانند با تکیه بر نظریه مصونیت، از زیر بار تعهدات خود در زمینه اعمال تصدی شانه خالی کنند (خضری، ۱۳۹۱: ۱۳۳). این کنوانسیون، «مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آن‌ها» را به‌عنوان یک اصل حقوق بین‌الملل عرفی که به‌طور کلی مورد پذیرش واقع شده است، در نظر می‌گیرد و استثنائی برای مصونیت‌ها دولت‌ها و اموال آن‌ها که ناشی یا برای اعمال حاکمیتی باشد، در نظر گرفته نشده است. در این کنوانسیون نقض حقوق بشر و قواعد آمره به‌عنوان استثنائی بر مصونیت دولت‌ها مورد اشاره قرار نگرفته است (Nagan & Root, 2013: 427).

با وجود این، طی سال‌های اخیر اقدامات یکجانبه‌ای برای ایجاد استثناءهای جدید بر مصونیت دولت‌ها به‌عنوان قاعده حقوق بین‌الملل عرفی انجام شده است. نقض حقوق بشر، نقض قواعد آمره و تروریسم سه دستاویز برخی از قدرت‌ها و در رأس آن‌ها آمریکا برای ایجاد استثناء در قاعده عرفی مصونیت دولت‌ها می‌باشد. کنگره آمریکا با حمایت دولت در سال ۱۹۹۶ با اصلاح قانون ۱۹۷۶^۱ معروف به قانون FSIA^۲ و تصویب قانون فلاتو^۳ و در سال ۲۰۱۲ با تصویب قانون «کاهش تهدیدات ایران و حقوق بشر در سوریه»، با مداخله در امور قضایی، گامی بی‌سابقه برای ایجاد استثناء بر مصونیت دولت‌هایی که به ادعای وزارت امور خارجه آمریکا حامی تروریسم هستند، برداشت. کانادا هم با پیروی از آمریکا در ۱۳ مارس ۲۰۱۲م قانون مشابهی را تصویب کرد. با آرای سیاسی محاکم آمریکا، کانادا

^۱ Foreign Sovereign Immunity Act

^۲ . برای مطالعه بیشتر درباره FSIA به این آدرس انگلیسی رجوع شود: <https://fsialaw.com>

^۳ . بر اساس قانون فلاتو، افراد آسیب دیده آمریکایی از حملات تروریستی در هر کجای جهان یا بازماندگان آنها می‌توانند در دادگاه‌های آمریکا علیه دولت‌هایی که (به ادعای واشنگتن) حامی عملیات تروریستی هستند، شکایت کنند.

و لوکزامبورگ علیه ایران و شکایت تهران به دیوان بین‌المللی دادگستری در ۱۶ ژوئیه ۲۰۱۶ م، دیوان در معرض آزمون دیگری برای حمایت از مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها قرار گرفته است. در صورتی که دیوان رویه گذشته خود به‌ویژه قضیه آلمان علیه ایتالیا، قواعد حقوق بین‌الملل عرفی و نیز کنوانسیون ۲ دسامبر ۲۰۰۴ «مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها» را محور تصمیم‌گیری خود برای صدور رأی قرار دهد، با صدور حکمی علیه اقدامات غیرقانونی آمریکا، گام جدی دیگری برای پایان دادن به نقض مصونیت دولت‌ها از طریق ایجاد استثنائات سیاسی محور نظیر استفاده ابزاری از تروریسم، نقض حقوق بشر و ... برخواهد داشت.

سؤال اصلی مقاله حاضر این است که آیا توقیف اموال ایران در سایر کشورها با استناد به مصادیق استثناء مصونیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل مشروعیت دارد؟ در کنار سؤال اصلی، سؤالاتی فرعی نیز مطرح هستند که عبارت‌اند از: ۱. جایگاه مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها در حقوق بین‌الملل چگونه است؟ ۲. کنوانسیون «مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها» چه رویکردی دارد؟ ۳. چه احکامی در محاکم آمریکا، کانادا و لوکزامبورگ در نقض مصونیت اموال دولت ایران صادر شده است؟ ۴. رأی فوریه ۲۰۱۲ دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی آلمان علیه ایتالیا چه تأثیری بر دعوی ۲۰۱۶ ایران علیه آمریکا می‌تواند داشته باشد؟

در مقاله حاضر با این پیش فرض که دیوان در صورت پایبندی به رویه خود، بار دیگر از اصل مصونیت دولت‌ها به‌عنوان قاعده حقوق بین‌الملل عرفی دفاع خواهد کرد، روش اسنادی و توصیفی- تحلیلی انتخاب شده است. با این روش، در مقاله ابتدا به رویکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره مصونیت دولت‌ها پرداخته می‌شود و با اشاره به پیشینه نقض مصونیت دولت‌ها در قضیه آلمان علیه ایتالیا و رأی دیوان در این خصوص؛ دعوی ۲۰۱۶ ایران علیه آمریکا، احکام محاکم لوکزامبورگ و کانادا مورد بررسی قرار می‌گیرند. در پایان نیز در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری به سؤال اصلی و سؤالات فرعی پاسخ داده می‌شود.

۲- عملکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل درباره مصونیت دولت‌ها

در دسامبر ۱۹۷۷ مجمع عمومی سازمان ملل با صدور قطعنامه ۳۲/۱۵۱، بررسی موضوع مصونیت قضایی دولت‌ها را در دستور کار کمیسیون حقوق بین‌الملل قرار داد.

کمیسیون حقوق بین‌الملل پس از ۲۷ سال بررسی، متن نهایی کنوانسیون پیشنهادی خود را در مارس ۲۰۰۴ به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه کرد. مجمع عمومی نیز در دوم دسامبر ۲۰۰۴، این کنوانسیون را در ۳۳ ماده و یک ضمیمه تصویب کرد و تأکید شد که پیوست این کنوانسیون، بخش لاینفک آن را تشکیل می‌دهد (Treaties. UN, 2017).

کمیسیون حقوق بین‌الملل در طی ۲۷ سال (۱۹۷۷ تا ۲۰۰۴) روند طولانی و پرفراز و نشیبی را برای تدوین پیش‌نویس کنوانسیون مصونیت دولت‌ها پیمود. شیوه کار کمیسیون در این خصوص نیز مانند سایر موضوعات، متکی بر بررسی رویه تقنینی، قضایی و عملکردی دولت‌ها و اخذ نظرات دولت‌های مختلف بود. کمیسیون حقوق بین‌الملل در یکی از اولین موضع‌گیری‌های خود، در سال ۱۹۸۰ اعلام کرد مصونیت دولت به‌عنوان یک قاعده عمومی حقوق بین‌الملل عرفی در رویه فعلی دولت‌ها به رسمیت شناخته شده است و وفاق عام در مورد مصونیت قضایی دولت وجود دارد. همچنین گزارش‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد که اغلب دولت‌ها بر این نظر بودند که مصونیت دولت‌ها به‌عنوان یک اصل بنیادین غیرقابل خدشه است. در واقع اختلاف اصلی درباره گذر یا عدم گذر از مصونیت مطلق به مصونیت محدود بود. استثنائات مصونیت شامل امور تجاری، داوری، مالکیت و موارد مشابه بود که در رویه اغلب کشورها به رسمیت شناخته شده است. همچنین دولت‌ها تأکید داشتند که مصونیت اموال آن‌ها قابل نقض نیست مگر اینکه دولت در قالب موافقت‌نامه کتبی یا اعلامیه رسمی به آن رضایت داده باشد (yearbook of the international law commission, 1990: 64).

در ۲۲ سال اول فعالیت کمیسیون حقوق بین‌الملل هیچ تحرک جدی مبنی بر وارد کردن استثناء بر مصونیت دولت‌ها در اعمال حاکمیتی به دلیل نقض قواعد آمره، بشردوستانه یا تروریسم مطرح نشد. تا اینکه گروه کاری کمیسیون در سال ۱۹۹۹ بیان داشت که استثناء تروریسم به‌عنوان پیشرفت اخیر حقوق بین‌الملل درباره مصونیت نباید نادیده گرفته شود، این موضوع در صفحه ۱۷۲ ضمیمه گزارش جلسه ۵۱ کمیسیون ثبت شده است (yearbook of the international law commission, 1999: 256).

به دنبال این گزارش مباحث جدی درباره ایجاد قانون استثناء بر مصونیت دولت‌ها به‌ویژه از سوی آمریکا و برخی از کشورهای غربی شروع شد. لیکن نه در آن جلسه و نه در جلسات سال‌های بعدی گروه کاری، پیش‌نویسی برای درج در کنوانسیون در ارتباط با

استثناء تروریسم تنظیم نشد. به نظر می‌رسد کشورهای عضو چنین استثنائی را به معنای زمینه‌سازی برای ایجاد هرج و مرج بین‌المللی می‌دانستند. حتی حادثه تروریستی یازدهم سپتامبر و حمله آمریکا به افغانستان و عراق در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ نیز نتوانست در دیدگاه کشورها تغییر ایجاد کند. در نتیجه این موضوع از پیش‌نویس کنوانسیون ۲۰۰۴ م کنار گذاشته شد. چرا که آن استثناء از پذیرش بالایی در جامعه بین‌المللی برخوردار نبود و اصرار بر استثناء تروریسم باعث می‌شد که کشورها در خصوص مفاد کنوانسیون به اجماع نرسند. پیش از آن در بند ۴ گزارش سال ۱۹۹۹ گزارشگر کمیسیون حقوق بین‌الملل در قالب پرسشنامه‌ای بر بررسی اقدامات یک‌جانبه در نقض مصونیت دولت‌ها تأکید شده بود (Report of the International Law Commission, 2000).

بدین ترتیب کنوانسیون مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها، بدون هرگونه استثناء مرتبط با قواعد آمره یا تروریسم در ۲ دسامبر ۲۰۰۴ به تصویب رسید. طبق ماده ۳۰ کنوانسیون مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها، مقررات این کنوانسیون در سی‌امین روز پس از تودیع سی‌امین سند تصویب نزد دبیرکل سازمان ملل متحد لازم‌الاجرا خواهند شد (Stewart, 2011: 1050). این کنوانسیون در دیباچه خود، تأکید می‌کند: «دولت‌های عضو کنوانسیون، با تأکید بر اینکه مصونیت قضائی دولت‌ها و اموال آن‌ها به‌عنوان یک اصل حقوق بین‌الملل عرفی مورد پذیرش قرار گرفته است؛ درباره مفاد آن توافق کرده‌اند» (Treaties. UN, 2017).

کنوانسیون مذکور، نخستین سند چندجانبه و جدیدی است که حاوی رویکردی جامع و فراگیر درباره مصونیت دولت‌ها از صلاحیت دادگاه‌های ملی دیگر کشورها می‌باشد. ماده ۵ کنوانسیون مذکور اصل مصونیت را با توجه به استثنائات مقرر در مواد ۱۰ تا ۱۷ مورد پذیرش قرار داده است که در آن موارد، مصونیت دولت نمی‌تواند مورد استناد قرار گیرد. این استثنائات عبارت‌اند از معاملات تجاری (ماده ۱۰)، قراردادهای استخدامی (ماده ۱۱)، صدمات شخصی و خسارت به اموال (ماده ۱۲)، مالکیت، تملک و انتفاع از اموال (ماده ۱۳)، مالکیت معنوی و صنعتی (ماده ۱۴)، مشارکت در شرکت‌ها یا نهادهای جمعی دیگر (ماده ۱۵)، کشتی‌های تحت مالکیت یا اداره یک دولت (ماده ۱۶) و اثر موافقت‌نامه داوری (ماده ۱۷) (Treaties. UN, 2017).

از آنجا که برخی از کشورها تلاش می‌کردند بند ۱۲ را به موضوع مخاصمات مسلحانه نیز تسری دهند، کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیریه‌ای تصریح کرد که این ماده شامل مخاصمات مسلحانه نمی‌شود. در واقع ماده ۱۲ کنوانسیون مصونیت دولت‌ها شامل اعمال تصدی دولت‌ها می‌شود نه اعمال حاکمیتی آن‌ها. کنوانسیون مذکور بهترین راهکار برای حرکت به سمت ایده مصونیت محدود دولت‌ها می‌باشد (Donoho, 2009: 681).

۳- دعوی آلمان علیه ایتالیا و رأی دیوان بین‌المللی دادگستری

پرونده شکایتی را که آلمان در سال ۲۰۰۸ علیه ایتالیا در دیوان بین‌المللی دادگستری ثبت کرد، می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. یک بخش آن مربوط به خواهان‌های ایتالیایی است که در رأس آن‌ها پرونده لوئیجی فرینی^۱ قرار داشت. بخش دوم به خواهان‌های یونانی مربوط می‌شد که در رأس آن پرونده کشتار در روستای دیستومو^۲ مطرح بود. محور شکایت هر دو خواهان‌های ایتالیایی و یونانی علیه دولت آلمان مربوط به جنایات آلمان نازی در جریان تجاوز نظامی به ایتالیا و یونان (در سال‌های ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۵) بود. خواهان‌ها با تأکید بر اینکه آلمان در این تجاوز مرتکب جنایات بین‌المللی شده، درخواست غرامت کردند.

ابتدا در ایتالیا، شهروندی ایتالیایی بنام لوئیجی فرینی در ۲۳ سپتامبر ۱۹۹۸ با طرح دعوی در دادگاه شهر آزررو^۳ علیه دولت آلمان مدعی شد که نیروهای آلمان نازی در طی اشغال ایتالیا در جنگ جهانی دوم، وی را برای کار اجباری به آلمان فرستاده بودند و به همین دلیل، وی خواستار جبران خسارت ناشی از این کار اجباری بود. در ۳ نوامبر ۲۰۰۰ دادگاه آزررو اعلام کرد که این شکایت به علت مصونیت دولت آلمان قابل پذیرش نیست. دادگاه تجدیدنظر فلورانس نیز در ۱۶ نوامبر ۲۰۰۱ این موضوع را تأیید کرد اما در ۱۱ مارس ۲۰۰۴ دیوان عالی ایتالیا دیدگاه دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر را نپذیرفت و اعلام کرد: «اعمال موضوع پرونده، به یک جنایت بین‌المللی مرتبط می‌شوند» (سادات میدانی، ۱۳۹۴: ۱۲۸). در واقع دیوان عالی ایتالیا با ادعای اینکه قواعد آمره در رأس سلسله مراتب قواعد حقوقی بین‌المللی قرار دارد، استناد دولت آلمان را به مصونیت دولت،

1. Luigi Ferrini

2. Distomo

3. Azzero

رد کرد. پس از ارجاع مجدد به دادگاه بدوی، دادگاه علی‌رغم تائید صلاحیت، حکم به مشمول مرور زمان شدن موضوع داد، اما این حکم توسط دادگاه تجدیدنظر فلورانس در ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ به نفع خواهان نقض شد. پس از این رأی، بالغ بر دویست دعوا علیه دولت آلمان در دادگاه‌های ایتالیا مطرح شد (سادات‌میدانی، ۱۳۹۴: ۱۲۸). رأی دیوان عالی ایتالیا، نه تنها پرونده‌های مختلفی علیه آلمان در ایتالیا را به راه انداخت بلکه شاکیان یونانی هم که در کشور خود به نتیجه نرسیده بودند، به دادگاه‌های ایتالیا مراجعه کردند.

در یونان در سال ۱۹۹۵ تعدادی از بازماندگان کشتار روستای دیستومو با طرح شکایت علیه آلمان درخواست غرامت کردند. دادگاه بدوی منطقه «لیوادیا»^۱ یونان، با احراز صلاحیت خود و مؤثر ندانستن مصونیت دولت آلمان به دلیل ارتکاب جنایت بین‌المللی، در ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۷ آلمان را به پرداخت غرامت محکوم کرد. این رأی در ۴ می ۲۰۰۰ به تائید دیوان عالی یونان رسید، اما بر اساس قوانین ملی یونان اجرای احکام منوط به مجوز دولت بود (Pittrof, 2004: 16). اما زمانی که خواهان‌های یونانی، مجوز اجرای حکم را درخواست کردند، وزیر دادگستری یونان به دلیل مصونیت دولت آلمان با آن مخالفت کرد و این حکم در یونان اجرایی نشد، نهایتاً این حکم در ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۲ م، و در پرونده مارگلس^۲ از سوی دیوان عالی ویژه یونان به ریاست قاضی دی کاستریو^۳ ابطال و با استناد به حقوق بین‌الملل، دولت آلمان همچنان برخوردار از مصونیت اعلام شد (Krajewski & Singer, 2012: 15). در نتیجه، محکوم له‌های پرونده پس از ناکامی در شکایت علیه آلمان در یونان، به دادگاه فلورانس ایتالیا مراجعه کردند که این حکم را شناسایی و اجرا نماید. سرانجام دادگاه تجدیدنظر فلورانس در ۱۳ ژوئن ۲۰۰۶ م احکام مزبور را شناسایی کرد (حاتمی و سادات‌حسینی، ۱۳۹۵: ۷۰). در ۷ ژوئن ۲۰۰۷ خواهان‌ها با تأکید بر رأی دادگاه تجدیدنظر فلورانس، درخواست توقیف ملک موسوم به «ویلای ویگونی» را کردند که از نظر آلمان برای توسعه مناسبات فرهنگی با ایتالیا مورد استفاده قرار می‌گرفت.

^۱. Livadia

^۲. Margellos case

^۳. Anotato Eidiko Dikastirio

۱-۳- طرح شکایت آلمان در دیوان بین‌المللی دادگستری

به دنبال اقدامات محاکم ایتالیا، آلمان در اواخر دسامبر ۲۰۰۸ دعوی حقوقی علیه ایتالیا را در دیوان بین‌المللی دادگستری ثبت و در دادخواست خود بر سه نکته تأکید کرد. نخست آنکه ایتالیا با مجاز شمردن طرح دعوی مدنی علیه آلمان بر مبنای نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی توسط رایش سوم، مرتکب نقض تعهدات بین‌المللی خود در خصوص احترام به حاکمیت و مصونیت قضایی دولت آلمان شده است؛ دوم آنکه با اعمال محدودیت علیه املاک آلمان (که برای اقدامات اجرایی مورد استفاده قرار می‌گرفتند)، مجدداً مرتکب نقض مصونیت قضایی دولت آلمان شده است؛ سوم آنکه ایتالیا با شناسایی احکام قضایی صادر شده در یونان، باز هم مرتکب نقض مصونیت قضایی دولت آلمان شده است؛ آلمان با طرح این محورها، بر مسئولیت بین‌المللی ایتالیا اشاره و تأکید کرد ایتالیا باید هرگونه تدبیر لازم را اتخاذ نماید تا حصول اطمینان شود که تصمیمات محاکم ایتالیایی و سایر محاکم قضایی که مستلزم نقض مصونیت دولت آلمان هستند، قابلیت اجرا را از دست بدهند و در آینده نیز تکرار نشوند (Judgment of 3 February 2012).

۲-۳- دفاعیات ایتالیا

ایتالیا این‌گونه استدلال می‌کرد که آلمان مرتکب جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت شده و این قواعد نقض شده دارای خصلت آمره است که بر قواعد حقوق بین‌الملل عرفی برتری دارند؛ بنابراین، ایتالیا مدعی بود که مصونیت دولت نباید مانعی برای تحقق مسئولیت دولت در خصوص نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل باشد. ایتالیا و یونان با تأکید بر نظام سلسله مراتبی حقوق بین‌الملل تأکید می‌کردند که به‌طور اتوماتیک قواعد آمره، برتر از قواعد حقوق بین‌الملل عرفی یا قراردادی هستند (Talmon, 2012: 2) و برای اجرای عدالت، هیچ راهکار مؤثر دیگری غیر از برتری دادن حقوق بنیادین آمره به اصل مصونیت دولت‌ها وجود ندارد. این در شرایطی است که دیوان اروپایی حقوق بشر تأکید می‌کند که مصونیت دولت‌ها از اقدامات مدنی ناشی از جنایات جنگی و دیگر موارد نقض حقوق بشر، یک محدودیت نامتجانس با حق دسترسی قربانیان به دادگاه نیست (De Santis di Nicola, 2015: 119).

تنها سه قاضی از ۱۵ قاضی دیوان از استدلال ایتالیا حمایت می‌کردند. آن‌ها معتقد بودند که مصونیت اعطاء شده به دولت‌ها در رسیدگی‌های مدنی در دادگاه‌های دولت دیگر

به دلیل رعایت نزاکت بوده و نمی‌تواند در سطح بین‌المللی بر قواعد آمرانه غالب شود (رمضانی قوام‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۰). از جمله قاضی آنتونیو ترینداد^۱ معتقد بود که حقوق مصونیت دولت باید در پرتو ارزش‌های بنیادین حقوق بشر که زمینه حقوق بین‌الملل است، مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد (Jurisdictional Immunities of States, 2012, para 40).

۳-۳- رأی نهایی صادره توسط دیوان در قضیه آلمان علیه ایتالیا

دیوان بین‌المللی دادگستری، رأی تاریخی خود در دعوی آلمان علیه ایتالیا را در سوم فوریه ۲۰۱۲ م صادر کرد. طبق این رأی، ایتالیا با تجویز طرح دعوی مدنی علیه آلمان در خصوص نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی توسط آلمان نازی، اتخاذ اقدامات اجرایی در رابطه با اموال آلمان در ایتالیا (ویلا ویگونی) و همچنین با لازم‌الاجرا دانستن رأی دادگاه‌های یونان در رابطه با نقض حقوق بشردوستانه در یونان توسط آلمان نازی در دادگاه‌های ایتالیا، تعهد خود را در خصوص احترام به مصونیتی که آلمان طبق حقوق بین‌الملل (عرفی) از آن برخوردار می‌باشد، نقض کرده است (Judgment of 3 February 2012, para.104).

دیوان توصیه می‌کند که دعاوی قربانیان ایتالیایی طی مذاکراتی با حضور دو دولت مربوطه با رویکرد حل مسئله مورد حل و فصل قرار گیرد. چون از نظر دیوان اگرچه اقدامات نیروهای نظامی آلمان در جریان جنگ جهانی دوم در ایتالیا نادیده گرفتن «ملاحظات اولیه انسانیت» و «همچنین نقض فاحش حقوق بین‌الملل حاکم بر مخاصمات مسلحانه» می‌باشد، اما این موضوع متفاوت از موضوع دعوی یعنی مصونیت دولت‌ها می‌باشد (Ibid, para 52). طبق رأی دیوان ایتالیا متعهد است که آثار نقض‌های گذشته و مستمر مصونیت آلمان را با قانون‌گذاری یا اتخاذ اقدامات قانونی مناسب یا با توسل به شیوه‌های دیگر به انتخاب خود و اعاده وضعیت به سابق از بین ببرد (Ibid, para 136: 153).

به نظر می‌رسد فاحش‌ترین اشتباه ایتالیا در این روند، نقض اصل مصونیت اموال دولت‌ها از اقدامات اجرایی دیگر کشورها بود. چرا که از نظر دیوان حتی با فرض اسقاط مصونیت

^۱ . Antônio Trindade

دولت توسط یک دادگاه خارجی، این موضوع به معنای آن نیست که مصونیت اموال آن دولت از اقدامات اجرایی واقع در سرزمین دولت خارجی نیز اسقاط شده است (سادات‌میدانی، ۱۳۹۴: ۱۴۵).

۴- نقض مصونیت دولت ایران و اموال آن توسط آمریکا

تا قبل از اینکه آمریکا در سال ۱۹۹۶ اصلاحاتی در قانون مصونیت دول خارجی ایجاد کند، قانون ۱۹۷۶ مصونیت دول خارجی معروف به قانون FSIA مبنای اقدامات این کشور بود. قانون ۱۹۷۶ با احترام به قواعد حقوق بین‌الملل عرفی، مصونیت را برای دولت خارجی از حیث اموال، تصمیمات، اسناد و نمایندگی‌های سیاسی به رسمیت می‌شناخت و تنها مطابق با قواعد عرفی استثنائاتی مقرر کرده بود (مهدی‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۵). استثنائاتی که در قانون ۱۹۷۶ برای نادیده گرفتن مصونیت دولت‌ها در بندهای ۱۶۰۵ تا ۱۶۰۷ وجود داشت عبارت بودند از: انصراف از مصونیت، دعاوی مربوط به فعالیت‌های تجاری، دعاوی در اموالی که با نقض حقوق بین‌الملل به دست آمده است، اختلافات در حقوق اموال غیرمنقول یا اموال به دست آمده از طریق ارث یا هبه در آمریکا، شبه‌جرم‌های ارتكابی به وسیله یک دولت خارجی در آمریکا، اجرای قراردادهای داوری (foreign sovereign immunities act of 1976, sec 1605 to 1607). این استثنائات مواردی بودند که هم در حقوق بین‌الملل عرفی دیده می‌شود و هم رویه قضایی، تقنینی و عملکرد بسیاری از کشورها نیز آن را تأیید می‌کنند. در قالب این قانون، ارگان تصمیم‌گیر در آمریکا درباره مصونیت دولت‌ها، قوه قضائیه (دیوان عالی آمریکا) بود.

اما در سال ۱۹۹۶، قانون مصوب ۱۹۷۶ کنگره اصلاح شد. اصلاحیه سال ۱۹۹۶ به قانون «فلاتو» معروف شد که بر اساس آن افراد آسیب‌دیده آمریکایی از حملات تروریستی (شکنجه، گروگان‌گیری، هواپیماربایی و ...) در هر کجای جهان یا بازماندگان آن‌ها می‌توانند در دادگاه‌های آمریکا علیه دولت‌هایی که حامی عملیات تروریستی هستند، شکایت کنند. همچنین بر اساس استثنائی که کنگره در سال ۱۹۹۶ بر قانون ۱۹۷۶ افزود، اتباع آمریکا علاوه بر دولت‌های حامی تروریسم، علیه مقامات چنین دولت‌هایی که از آن زیان دیده‌اند، نیز می‌توانند اقامه دعوی کنند (Knuchel, 2011:175).

در چارچوب این قانون، دولت‌های حامی تروریسم توسط وزارت امور خارجه آمریکا هر سال در فهرستی اعلام می‌شوند. این قانون انتقادات فراوانی را به دنبال داشت که مهم‌ترین آن عبارت‌اند از:

- مغایرت این قانون با قواعد مسلم حقوق بین‌الملل از جمله قاعده عرفی مصونیت دولت‌ها؛
- مغایرت با کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله کنوانسیون ۲۰۰۴ سازمان ملل درباره مصونیت دولت‌ها؛
- مغایرت با رویه قضایی، تقنینی و عملکردی اکثریت کشورها؛
- مغایرت با آراء و رویه محاکم ملی و بین‌المللی از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری؛
- مغایرت با قانون اساسی آمریکا، چرا که این قانون با انتقال تصمیم‌گیری درباره مصونیت دولت‌ها از قوه قضائیه به قوه مجریه، اصل تفکیک قوا را نقض کرده است؛
- نقض اصل بنیادین استقلال و برابری حاکمیت کشورها مصرح در منشور سازمان ملل متحد؛

- دشوار بودن اثبات کنترل مؤثر و انتساب عمل و عدم کارآمدی استثناء تروریسم. علیرغم انتقادات، دولت آمریکا برای پیشبرد این دکترین سیاسی خود و با اصرار به نقض نظم حقوق بین‌الملل، به سه اقدام دست زد:

اول، اتباع آمریکایی به اصطلاح زیان‌دیده از تروریسم را برای طرح شکایت علیه ایران به منظور درخواست غرامت، تشویق و برای آن‌ها تسهیلاتی ایجاد کرد. **دوم**، از متحدان همفکر خود نظیر کانادا خواست تا آن‌ها نیز قانون مشابهی را تصویب کنند. اما **سومین** و مهم‌ترین اقدام آمریکا که ابعاد ضدحقوقی آن همسطح قانون فلاتو است، تصویب قانون موسوم به «کاهش تهدیدات ایران و حقوق بشر در سوریه» در سال ۲۰۱۲ است (PUBLIC LAW 112-158, 2012). در این قانون به محاکم آمریکایی اجازه داده شد تا برای پرداخت غرامت به خواهان‌های آمریکایی، علیه اموال مسدود شده ایران از جمله دارایی‌های بانک مرکزی حکم دهند. بحث برانگیزترین بخش این قانون، نام بردن از یک پرونده مشخص قضایی (پرونده پترسون) در این مصوبه کنگره آمریکا بود که به‌منزله ورود قوه مقننه به نفع یکی از طرفین دعوا در قوه قضائیه بود. در جزء b ماده ۲ بخش ۵۰۲ قانون

۲۰۱۲، صراحتاً از پرونده پترسون نامبرده می‌شود و بر مسدود کردن دارایی ایران تأکید می‌گردد (Ibid, 2012). این قانون ضمن نقض قواعد مسلم حقوق بین‌الملل در خصوص مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها، اصل تفکیک قوا در آمریکا را خدشه‌دار و منجر به واکنش حقوق‌دانان برجسته آن کشور از جمله رئیس دیوان عالی شد. آمریکا از سال ۱۹۸۴ ایران را در فهرست کشورهای حامی تروریسم قرار داده است.

بدین ترتیب پس از قانون فلاتو، با اقدامات هماهنگ قوای مجریه، مقننه و قضائیه آمریکا، انبوهی از شکایت‌های اتباع آمریکایی علیه ایران در محاکم آمریکا به راه افتاد. این شکایت‌ها را از لحاظ محتوایی می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

دسته اول شکایت‌هایی است که در آن اتباع آمریکایی ادعای زیان و غرامت به واسطه اقدامات گروه‌هایی نظیر حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی کرده و دادگاه‌های آمریکایی نیز با ادعای اینکه گروه‌های مذکور مورد حمایت و کنترل مؤثر ایران هستند، احکامی علیه ایران صادر کرده‌اند که در رأس آن‌ها پرونده پترسون قرار دارد.

دسته دوم شکایت‌های بازماندگان حادثه یازدهم سپتامبر هستند که دادگاه‌های آمریکایی با ادعای اینکه ایران عبور اعضای القاعده را تسهیل کرده است، احکامی علیه دارایی‌های ایران به‌منظور جبران خسارت خواهان‌های پرونده صادر کرده‌اند. در واقع دولت و محاکم آمریکا از یک‌سو با اتهامات واهی، ایران را به پرداخت غرامت به بازماندگان حادثه تروریستی یازدهم سپتامبر محکوم کرده‌اند و از سوی دیگر اقدامات متعددی برای سرپوش گذاشتن بر نقش عربستان سعودی در حادثه یازدهم سپتامبر انجام داده‌اند. به‌عنوان نمونه سیا در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۵ گزارش ۴۹۵ صفحه‌ای که حاوی پرونده‌های بسیار محرمانه درباره ارتباط عربستان با حملات ۱۱ سپتامبر بود، منتشر کرد. در این گزارش یک بخش ۳۰ صفحه‌ای با عنوان «موارد مربوط به عربستان سعودی» تقریباً به‌طور کامل مخدوش شده بود، به‌جز سه پاراگراف (Edwards, 2016).

۴-۱- احکام محاکم آمریکا در نقض مصونیت دولت ایران و اموال آن

۴-۱-۱- پرونده پترسون

در ۳۰ مه ۲۰۰۳ (۹ خرداد ۱۳۸۲) در دادگاه فدرال نیویورک پرونده‌ای موسوم به پترسون مطرح شد. این پرونده به مطالبه غرامت به سبب ادعای حمایت ایران از تروریسم توسط

بازماندگان ۲۴۱ نفر از کشته‌شدگان انفجار سال ۱۹۸۳ (۱۳۶۲) در مقر تفنگ‌داران دریایی آمریکایی در بیروت که ۵۸ نفر نظامی فرانسوی هم جزو کشته‌شدگان مذکور بودند و جهاد اسلامی لبنان مسئولیت آن بمب‌گذاری را بر عهده گرفته بود، مربوط می‌باشد. خواننده دعوی همگی آنان دولت ایران و در برخی موارد نهادهایی چون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. دولت ایران مطابق اصل مصونیت دولت‌ها و همسو با مصوبه شورای عالی امنیت ملی مبنی بر ممنوعیت شرکت در این‌گونه محاکم، از حضور در جلسات رسیدگی در دادگاه‌های آمریکا خودداری کرد و معتقد بود: «بر اساس اصل برابری حاکمیت‌ها و مصونیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل، محاکم داخلی یک دولت مجاز به رسیدگی این قبیل دعاوی علیه دولت‌های خارجی نیستند» (بوجاری، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۵). نهایتاً دادگاه فدرال نیویورک پس از رسیدگی‌های غیابی در ۱۶ شهریور ۱۳۸۶ (۷ سپتامبر ۲۰۰۷) رأی بر محکومیت ۲ میلیارد و ۶۵۰ میلیون دلار غرامت و دستور بر توقیف اموال ایران برای پرداخت به خانواده‌های قربانیان انفجارهای مذکور صادر کرد. حدود ۹ ماه بعد حکم توقیف بدوی روی اوراق بانک مرکزی ایران که در حوزه آمریکا منتشر شده، صادر شد (Liptak, 2016).

در ۵ فوریه ۲۰۱۲ (بهمن سال ۱۳۹۰) بر اساس حکم اجرایی شماره ۱۳۵۹۹، باراک اوباما رئیس‌جمهوری وقت آمریکا دستور اجرای حکم مسدود کردن دارایی‌های متعلق به نهادهای تحت مالکیت یا تحت کنترل ایران و بانک مرکزی ایران صادر کرد (Katzman, 2017: 2). از همان زمان (۲۰۱۲/۱۳۹۰) بانک مرکزی ایران به پرونده ورود پیدا می‌کند. بعد از ۶ ماه از دستور اجرایی اوباما، طی یک اقدام هماهنگ بین قوه قضائیه، مقننه و دستگاه اجرائی آمریکا، در کنگره آمریکا در اوت ۲۰۱۲ برای توقیف دارایی‌های بانک مرکزی قانون «کاهش تهدیدات ایران و حقوق بشر در سوریه» به تصویب رسید. این قانون به محاکم آمریکایی اجازه داد تا برای پرداخت غرامت به خواهان‌های آمریکایی، علیه اموال مسدود شده ایران از جمله دارایی‌های بانک مرکزی مانند اوراق منتشر شده متعلق به بانک مرکزی در نزد سیتی بانک نیویورک حکم دهند. این قانون صراحتاً به دادگاه اجازه می‌داد که رأی صادره در پرونده پترسون از محل اموال دارایی‌های مسدود شده بانک مرکزی ایران، پرداخت شود (Liptak, 2016). هدف این قانون بی‌اثر کردن دفاعیات و استدلال‌ات حقوقی بانک مرکزی ایران بود. به استناد این قانون، دولت و بانک مرکزی به یک صورت

قلمداد شد و بر این اساس مصونیت اموال بانک مرکزی برداشته شد. پنج ماه بعد دادگاه فدرال به نفع خواهان‌ها حکم داد. به‌دنبال آن دادگاه تجدیدنظر نیویورک هم در ۹ جولای سال ۲۰۱۴ (۱۸ تیر ۱۳۹۳) با عدم قبول دفاعیات ایران مبنی بر نقض روابط اقتصادی بین ایران و آمریکا بر اساس عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوقی کنسولی بین ایران و آمریکا مصوب ۱۹۵۵ (۱۳۳۴) و با رد درخواست بانک مرکزی ایران مبنی بر رفع توقیف از اموال آن بانک، رأی دادگاه فدرال را تأیید و تأکید کرد در قضیه پترسون و جمهوری اسلامی ایران دادگاه فدرال در صدور حکم از اختیارات قانونی خود عدول نکرده است (Peterson v. Islamic Republic of Iran, 2014).

به‌دنبال توقیف دارایی‌ها، بانک مرکزی ایران با تأکید بر استقلال این بانک از دولت، مصونیت بانک‌های مرکزی، قرار نداشتن محل اوراق در آمریکا، حاکمیتی بودن دارایی مذکور و اختصاص آن برای استیفای بدهی مشخص، منطبق بر قواعد حقوق بین‌الملل درخواست ابطال حکم را کرد. بانک مرکزی با اشاره به قانون ۲۰۱۲ کنگره و مداخله آن به نفع یکی از طرفین دعوا، نقض تفکیک قوا در آمریکا و مغایرت حکم با قانون اساسی آمریکا را مطرح ساخت. اما از آنجا که این پرونده از ابتدا با رویکرد سیاسی تنظیم شده بود، دیوان عالی آمریکا در ۲۰ آوریل ۲۰۱۶ (اول اردیبهشت ۱۳۹۵) اقدام به تأیید آرای دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر این کشور مبنی بر پرداخت ۲ میلیارد و ۶۵۰ میلیون دلار خسارت نمود. دیوان عالی آمریکا با ۶ رأی موافق در برابر ۲ رأی مخالف و یک قاضی غایب، رأی خود را در ۴۴ صفحه صادر و اعلام کرد کنگره با تصویب قانون ۲۰۱۲ به نقش قانونی خود عمل کرده است و به این وسیله امکان دستیابی شاکیان پرونده به غرامت را آسان‌تر ساخته است (Liptak, 2016).

این در شرایطی است که جان رابرتس^۱ رئیس دیوان عالی آمریکا با انتقاد از این قانون، اقدام کنگره را دخالت در امور قضایی و خدشه بر اصل تفکیک قوا خواند و تأکید کرد با این قانون خاص، بازنده و برنده پرونده قضایی توسط کنگره مشخص می‌شود که این می‌تواند به رویه‌ای خطرناک تبدیل شود. اما موافقان مدعی‌اند که قانون مصوب کنگره، بر اساس متون و اسناد تاریخی و قضایی آمریکا، باید به‌عنوان یک قاعده اساسی توسط دادگاه

^۱ John Glover Roberts

اجرا می‌شد و دادگاه نیز در این چارچوب اقدام کرد (Zoldan, 2016). شاکیان آمریکایی برای دریافت غرامت نه تنها به دارایی‌های بانک مرکزی ایران چشم دوخته‌اند بلکه موضوع مصادره و فروش آثار باستانی ایران در آمریکا نیز برای دریافت غرامت در ژوئن ۲۰۱۷ مطرح شد. قربانیان مدعی‌اند که قانون ۲۰۱۲ به آن‌ها اجازه می‌دهد هر نوع دارایی‌های دولت‌های حامی تروریسم را بدون در نظر گرفتن مصونیت آن‌ها و فارغ از اینکه آیا آن‌ها به فعالیت تجاری در ایالات متحده مربوط می‌شوند یا نه، مصادره کنند. این افراد مدعی شده‌اند که ایران آموزش و حمایت لازم را از حماس برای انجام این بمب‌گذاری به عهده داشته است (The New York times, 2017). رأی غیرحقوقی دیوان عالی آمریکا در نقض مصونیت اموال ایران، علاوه بر واکنش تند مقامات عالی‌رتبه تهران، توسط ۱۲۰ کشور عضو جنبش عدم تعهد نیز محکوم شد. در بیانیه جنبش عدم تعهد، این رفتار آمریکا، نقض مصونیت دولت‌ها قلمداد و با لحنی تند هشدار داده شده که این رویه نظم بین‌المللی را آشفته و تبعات خطرناکی خواهد داشت (Associated Press, 2016).

۲-۱-۴- پرونده شکایت تعدادی از قربانیان حادثه یازدهم سپتامبر

در نهم مارس سال ۲۰۱۶ یک دادگاه در نیویورک در ارتباط با حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با صدور حکمی غیابی، ایران را به پرداخت ده و نیم میلیارد دلار غرامت به بازماندگان قربانیان و چند شرکت بیمه محکوم کرد. جرج دانیلز، قاضی دادگاه، ایران را به پرداخت هفت و نیم میلیارد دلار برای جبران خسارات مالی جان‌باختگان حملات به برج‌های تجارت جهانی و ساختمان پنتاگون و پرداخت سه میلیارد دلار به شرکت‌های بیمه محکوم کرد. بر اساس حکم قاضی، باید به بازمانده هر قربانی مبلغ ۲ میلیون دلار غرامت برای درد و رنج و ۶/۸۸ میلیون دلار نیز برای جبران خسارات تبعی پرداخت شود. همچنین شرکت‌های بیمه از جمله کمپانی CHUBB که در سال‌های گذشته وظیفه جبران خسارات مالی و عدم نفع متضرران از حملات یازدهم سپتامبر را بر عهده داشته‌اند از این حکم منتفع می‌شوند. قاضی صادرکننده این رأی، برخلاف تمامی واقعیات ادعا کرده است که ایران از تروریست‌ها حمایت فعال کرده است که این ادعا حتی در تعارض کامل با اظهارات علنی و یافته‌های آشکار یا طبقه‌بندی شده حاصل از تحقیقات دولت و کنگره آمریکا قرار دارد. قاضی برخلاف شواهد مدعی بود که دولت جمهوری اسلامی با دادن اجازه

عبور به اعضای القاعده از خاک این کشور، در انجام این حمله مسئولیت داشته است (Bloomberg, 2016).

۴-۱-۳- پرونده بنیاد علوی

پنج سال پس از شکایت سال ۲۰۰۸ دولت آمریکا، در سپتامبر ۲۰۱۳ دارایی‌های بنیاد علوی و شرکت آسا (شامل برج ۳۶ طبقه بنیاد علوی در منهن و اموال تابعه آن)^۱ با ادعای همکاری با بانک ملی ایران به حکم قاضی کاترین بورت فارست^۲ از دادگاه فدرال منهن توقیف شد. این حکم اندکی بعد توسط دادگاه تجدیدنظر نیویورک در سال ۲۰۱۶ رد گردید چرا که مشخص نبود که آیا بنیاد علوی واقعاً می‌دانسته که شریک آن (آسا) تحت کنترل ایران است یا خیر؟ (WANG, 2017).

پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ در آمریکا و خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام، روند مصادره دارایی‌های ایران شدت بیشتری گرفت. در ژوئن ۲۰۱۷ بار دیگر پرونده بنیاد علوی در دادگاه مطرح شد. «جون اچ‌کیم»^۳ وکیل دولت آمریکا ۲۹ ژوئن ۲۰۱۷ (۸ تیر ۱۳۹۶) در بیانیه‌ای از حکم دادگاه برای مصادره املاک بنیاد علوی خبر داد و مدعی شد این برج بیش از یک دهه به صورتی پنهان در خدمت دولت ایران بوده و راهی شده بود برای فرستادن میلیون‌ها دلار به ایران که تخطی آشکار از مفاد تحریم‌های آمریکاست. وی مدعی شد: «در جلسه دادگاه، اسرار این ساختمان برای همه آشکار شد و حکم امروز هیئت منصفه نیز آنچه را ما از سال ۲۰۰۸ فکر می‌کردیم، تأیید کرد» (Ibid). به‌گفته جون اچ‌کیم این حکم، بزرگ‌ترین مصادره مدنی و همچنین بزرگ‌ترین مصادره مربوط به تروریسم در تاریخ آمریکا محسوب می‌شود و دولت آمریکا موافقت کرده است که با درآمد حاصل از فروش ساختمان، که حدود یک میلیارد دلار تخمین زده می‌شود به خانواده‌های قربانیان تروریسم، از جمله حملات ۱۱ سپتامبر غرامت پرداخت کند. در واکنش به این ادعا «جان گیلسون»^۴ وکیل بنیاد علوی با رد اتهام گفته بود: «این بنیاد یک سازمان خیریه است و تنها به خدمات فرهنگی اشتغال دارد. این بنیاد پس از تحریم‌های ایالات‌متحده در

1. Assa

2. Katherine B. Forrest

3. Joon H. Kim

4. John Gleeson

سال ۱۹۹۵ از ارتباطات شرکت آسا با دولت ایران- که ۴۰ درصد سهام بنیاد را در اختیار دارد- مطلع نبوده است» (Ibid).

۴-۲- اقدامات شاکیان آمریکایی برای شناسایی و اجرای احکام در محاکم کانادا و لوکزامبورگ

۴-۲-۱- محاکم لوکزامبورگ (پرونده هاولیش)

پس از آنکه دادگاه‌های آمریکایی احکامی علیه اموال و دارایی‌های ایران صادر کردند (به‌ویژه پس از حکم نهم مارس سال ۲۰۱۶ دادگاه نیویورک)، برخی از خواهان‌ها برای شناسایی احکام و توقیف اموال ایران به دادگاه لوکزامبورگ مراجعه کردند. به دلیل استقرار بخشی از دارایی‌های بانک مرکزی ایران در نزد کارگزاری به‌نام کلیراستریم^۱ در لوکزامبورگ، برخی از خواهان‌های آمریکایی در پرونده قربانیان حادثه یازدهم سپتامبر و در رأس آن‌ها شخصی به‌نام «هاولیش»^۲ در ژانویه ۲۰۱۷ م به دادگاه لوکزامبورگ مراجعه و خواهان شناسایی حکم دادگاه نیویورک و اجرای آن شدند. دادگاه لوکزامبورگ علیرغم اینکه در اولین رأیی که صادر کرده بود تقاضای خواهان‌های آمریکایی را رد کرده بود، اما در رأی تجدیدنظر در ۲۷ فوریه ۲۰۱۷ به‌طور غیابی و بدون اخذ دفاعیه ایران، حکمی برای توقیف یک میلیارد و ششصد میلیون دلار از دارایی‌های بانک مرکزی ایران صادر کرد. به‌دنبال اعتراض ایران، قاضی دادگاه لوکزامبورگ اعلام کرد دارایی‌های ایران به‌صورت موقت و بدون امکان انتقال به شاکیان، مسدود شده تا بر اساس نتیجه بررسی دادگاه در نهایت تصمیم گرفته شود که آیا بر اساس قوانین لوکزامبورگ، امکان پرداخت دارایی مذکور به‌عنوان غرامت برای شاکیان آمریکایی وجود دارد یا خیر؟ (The Iran Project, 2017).

۴-۲-۲- محاکم کانادا (پرونده بنتس)

تعدادی از محاکم کانادا اقدام به شناسایی احکام دادگاه‌های آمریکا علیه ایران کرده‌اند. همچنین دولت کانادا، به تبعیت از آمریکا در ۱۳ مارس ۲۰۱۲ م با اصلاح قانون ۱۹۸۵

^۱. Clearstream

^۲. hawlish

درباره مصونیت دولت‌ها، قانون جدیدی را تصویب کرد. بر اساس این قانون افراد زیان‌دیده از تروریسم در هرکجای جهان می‌توانند از کشورهایی که از نظر کانادا حامی تروریسم هستند، شکایت کنند. این اقدام کانادا که حدود یک ماه پس از رأی تاریخی دیوان بین‌المللی دادگستری درباره دعوی آلمان علیه ایتالیا انجام شد، به‌نوعی بی‌توجهی کانادا به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری و همچنین عدول این کشور از کنوانسیون ۲۰۰۴ سازمان ملل متحد را نشان داد.

قانون ۱۹۸۵ کانادا درباره مصونیت دولت‌ها سه بار در دسامبر ۲۰۰۲، دسامبر ۲۰۰۴ و مارس ۲۰۱۲ مورد بازنگری قرار گرفته است. در اصلاحاتی که در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۴ صورت گرفت بحث شکنجه، نقض حقوق بشر، تروریسم یا نقض قواعد آمره به‌عنوان استثنایی بر مصونیت دولت خارجی مطرح نشده است. اما در اصلاحاتی که در ۱۳ مارس ۲۰۱۲ صورت گرفت، به تبعیت از الگوی آمریکا، تبصره‌هایی بر ماده ۶ اضافه شد که بر اساس آن کشورهایی که در فهرست حمایت از تروریسم قرار دارند، در محاکم قضایی کانادا مصونیت ندارند. بر اساس بند ۲ ماده ۶، تعیین فهرست کشورهای پشتیبان تروریسم، توسط وزارت امور خارجه و با مشورت وزارتخانه‌های امنیت عمومی و وضعیت اضطراری صورت می‌گیرد (State Immunity Act, R.S.C., 1985, c. S-18, 2012).

بر اساس این اصلاحات، اگر افراد قربانی اقدام تروریستی حتی در خارج از سرزمین کانادا باشند، دادگاه‌های کانادا به ادعای آن‌ها رسیدگی خواهند کرد. از آنجا که ایران یکی از کشورهای مندرج در فهرست مذکور می‌باشد، به‌ویژه از سال ۲۰۱۶ محاکم کانادا به تبعیت از آراء محاکم آمریکایی، احکامی در نقض مصونیت دولت ایران صادر کرده‌اند.

یکی از پرونده‌ها، شکایت خانواده مارلا بنتس^۱ ۲۴ ساله می‌باشد که در بمب‌گذاری در کافه دانشگاه عبری در ۳۱ جولای ۲۰۰۲ در قدس کشته شد. در سال ۲۰۰۷ دادگاهی در آمریکا حکم داد که حماس مسئول این حمله و برای اجرای آن از پشتیبانی مادی ایران استفاده کرده است. دادگاه ادعا کرد که ایران اعضای حماس را در سوریه، لبنان و سودان آموزش می‌دهد. بر اساس حکم، ایران باید به والدین و خواهر بنتس ۱۳ میلیون دلار غرامت بپردازد. به دنبال مراجعه خانواده بنتس به محاکم کانادا برای شناسایی و اجرای

^۱ . Marla Bennetts

حکم، دیوان عالی ایالت اونتاریو^۱ کانادا در خرداد ۱۳۹۵ (ژوئن ۲۰۱۶) با شناسایی حکم دادگاه آمریکایی، رأی داد که ۱۳ میلیون دلار از دارایی‌های غیردیپلماتیک مسدود شده ایران در این کشور به آن‌ها، به‌عنوان غرامت پرداخت شود. پرونده بنتس اولین شکایت علیه ایران پس از اجرای قانون عدالت برای قربانیان تروریسم مصوب ۱۳ مارس سال ۲۰۱۲ در کانادا بود (Silverman, 2016).

۵- شکایت ایران از آمریکا به دیوان بین‌المللی دادگستری

مهم‌ترین راهکار حقوقی برای اعتراض به نقض مصونیت اموال ایران توسط آمریکا، شکایت به دیوان بین‌المللی دادگستری است. اولین موضوع مهم در شکایت به دیوان بین‌المللی، لزوم رضایت طرفین به صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری می‌باشد. در این راستا ایران به ماده ۲۱ عهدنامه مودت، تجارت و دریانوردی ۱۹۵۵ استناد می‌کند که مقرر می‌دارد اختلافات حقوقی بین دو دولت از طریق ارجاع به دیوان بین‌المللی دادگستری حل و فصل گردد (عهدنامه مودت ایران و آمریکا ۱۳۳۶: ۱۱۴۳). پیش از این نیز دیوان بین‌المللی دادگستری بر اساس همین عهدنامه به موضوع انهدام سکوهای نفتی جمهوری اسلامی ایران توسط ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس ورود پیدا کرد. همچنین در قضیه تسخیر لانه جاسوسی موسوم به گروگان‌گیری نیز دیوان بین‌المللی دادگستری، صلاحیت خود را احراز و به موضوع ورود کرده و اقدام به رسیدگی کرد.

دادخواست رسمی ایران علیه آمریکا را نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران، ۱۵ ژوئن ۲۰۱۶ (۲۶ خرداد ۱۳۹۵) در دیوان دادگستری بین‌المللی در لاهه ثبت کرد (icj-cij, June 15, 2016). به‌موجب این دادخواست ایران از دیوان دادگستری بین‌المللی درخواست نموده که آمریکا باید برای نادیده گرفتن استقلال شخصیت حقوقی مؤسسات و نهادهای دولتی ایرانی و نیز نقض مصونیت بانک مرکزی و نقض حق دسترسی و دفاع آن‌ها برخلاف ماده (۲) (۱) ۳ معاهده مذکور، وضع و اجرای قوانین خاص علیه دولت و اموال دولت و مؤسسات و نهادهای دولتی ایرانی از جمله بانک مرکزی، رفتار ناعادلانه، غیرمنطقی و تبعیض‌آمیز با این مؤسسات و نهادهای مستقل دولتی و با اموال آن‌ها در آمریکا، نادیده گرفتن حقوق و منافع مکتسبه و حقوق قراردادی آن‌ها و توقیف و مصادره

^۱. Ontario

اموال آن‌ها در مغایرت با ماده (۱) ۴ و (۲) ۴ معاهده فی‌مابین، و نقض مصونیت دولت ایران و شرکت‌ها و نهادهای مستقل دولتی به‌ویژه بانک مرکزی برخلاف مواد (۱) ۳ و (۴) ۱۱ معاهده و نیز برخلاف الزامات حقوق بین‌الملل، مسئول شناخته شده و محکوم شود. از دیوان خواسته شده که آمریکا باید ملزم شود که مصونیت دولت ایران و نهادهای وابسته به دولت و اموال آن‌ها را تا حدی که در معاهده فی‌مابین و حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده، محترم شمارد و حق دسترسی آزادانه به دادگاه‌های ایالات متحده و حق دفاع شایسته از حقوق و منافع مکتسبه را تضمین نموده و از هرگونه اقدام بر اساس قوانین و مقررات داخلی و احکام قضایی مغایر با معاهده اجتناب کند. در دادخواست ایران تأکید شده که آمریکا باید خسارات وارده به ایران ناشی از نقض این تعهدات بین‌المللی را جبران نماید (پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، ۲۹/۰۳/۹۵).

علیرغم ایرادات مقدماتی آمریکا در اول می ۲۰۱۷ و ادعای عدم صلاحیت دیوان، دیوان بین‌المللی دادگستری طی دستور مورخ ۱۸ مهرماه ۱۳۹۷ (۱۰ اکتبر ۲۰۱۸) اعلام نمود که با توجه به ماده ۴۸ اساسنامه دیوان و مواد ۳۱، ۴۴، ۴۵ قواعد رسیدگی دیوان و با در نظر گرفتن درخواست ایران برای صدور دستور موقت که در تاریخ ۲۵ تیر ۹۷ (۱۶ ژوئیه ۲۰۱۸) ثبت گردید و نیز دستور موقت دیوان در تاریخ ۱۱ مهرماه ۱۳۹۷ (۳ اکتبر ۲۰۱۸) مبنی بر صلاحیت اجمالی دیوان برای رسیدگی به دعوا، از آنجایی که در جلسه رئیس دیوان با نمایندگان طرفین در تاریخ ۱۱ مهرماه ۱۳۹۷ (۱۳ اکتبر ۲۰۱۸) طبق ماده ۳۱ قواعد دیوان، نماینده رابط مشترک جمهوری اسلامی ایران اعلام نمود که دولت متبوع وی در پرتو فوریت رسیدگی به پرونده درخواست کرده مهلت دو ماهه‌ای برای تهیه لایحه خود به ایران اعطا شود و از آنجایی که معاون نماینده رابط ایالات متحده اظهار نمود که با توجه به پیچیدگی پرونده دولت متبوع وی خواهان اعطای مهلت ۱۰ تا ۱۲ ماهه از تاریخ ثبت لایحه ایران، برای آماده‌سازی لایحه متقابل خود می‌باشد، با لحاظ نظرات طرفین، دیوان مقرر می‌دارد: «جمهوری اسلامی ایران لایحه کتبی خود را در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۹۸ (۱۰ آوریل ۲۰۱۹) و ایالات متحده آمریکا لایحه متقابل کتبی خود را در تاریخ ۱۸ مهر ۱۳۹۸ (۱۰ اکتبر ۲۰۱۹) ثبت نماید» (icj-cij, October 16, 2018).

۶- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها از منظر حقوق بین‌الملل، قاعده عرفی تثبیت شده می‌باشد. علیرغم تحرکاتی که برای ایجاد استثنائات حقوق بشری بر مصونیت دولت‌ها صورت می‌گیرد، عملکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد که درباره مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها، وفاق عام وجود دارد. البته مفاد کنوانسیون سال ۲۰۰۴ سازمان ملل مؤید این است که مصونیت مطلق دولت‌ها پذیرفته نیست، در واقع یک دولت در اعمال حاکمیتی از مصونیت برخوردار است ولی در مورد ادعاهای ناشی از معاملات تجاری یا اعمال تصدی‌گری دارای مصونیت نیست. دولت‌های خارجی همچنان از مصونیت از اقدامات اجرایی علیه اموالشان به‌طور مطلق برخوردارند.

اگرچه تصویب اساسنامه تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸، تصریحی بر این نکته بود که می‌توان افراد را به دلیل ارتکاب جنایات بین‌المللی به لحاظ کیفری مسئول شناخت، اما این استثناء شامل مقامات دولتی می‌شود نه دولت‌ها. با وجود این، تحرکات برای ایجاد سه استثناء شامل عدم مصونیت دولت در ارتکاب جنایات بین‌المللی، نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل و تروریسم، از سوی برخی قدرت‌ها ادامه دارد.

کمیسیون حقوق بین‌الملل و دیوان بین‌المللی دادگستری در مقابل این تحرکات، واقعیت‌ها و عملکرد عموم دولت‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند. رویه کمیسیون حقوق بین‌الملل، دیوان بین‌المللی دادگستری و عملکرد تقنینی و قضایی اغلب کشورها نشان می‌دهند که مصونیت دولت‌ها در اعمال حاکمیتی و مصونیت اموال آن‌ها از اقدامات اجرایی یک قاعده عرفی خدشه‌ناپذیر است. واقعیت این است که محاکم ملی کشورها به علت سیاسی‌کاری و عدم رعایت استانداردهای بین‌المللی در تشخیص کنترل مؤثر دولت‌ها، صلاحیت رسیدگی به قضایای دولت‌های دیگر را ندارند.

علیرغم پذیرش چرخش مصونیت دولت‌ها از مصونیت مطلق به محدود که اوج آن در تصویب کنوانسیون ۲۰۰۴ بود، از نظر دیوان هیچ استثنائی به مصونیت دولت‌ها به بهانه توسل به نقض قواعد آمرانه، تروریسم و نقض حقوق بشر وجود ندارد. دیوان بین‌المللی دادگستری با رأی خود عملاً دکتترین یک‌جانبه برخی قدرت‌ها در ایجاد استثناء بر مصونیت دولت‌ها با استفاده ابزاری از تروریسم یا حقوق بشر را بی‌پایه دانسته و بار دیگر بر نظم

حقوق بین‌الملل و ثبات در آن تأکید کرد. رأی دیوان همچنین گامی در جهت تشویق کشورها به اجرایی کردن کنوانسیون سال ۲۰۰۴ می‌باشد. در دعوی آلمان علیه ایتالیا، دیوان با شناسایی یک قاعده عرفی و معرفی آن به توسعه حقوق بین‌الملل عام کمک کرد. اقدام آمریکا در سال ۱۹۹۶ و اقدام کانادا در سال ۲۰۱۲ در وضع استثناء تروریسم بر مصونیت دولت‌ها تبدیل به یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی جدید نشده‌اند و به این دلیل نقض صریح قواعد حقوق بین‌الملل عرفی محسوب می‌شوند. به همین دلیل در پی مصادره اموال و دارایی‌های ایران در آمریکا، ایران به دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت کرد. بررسی دادخواست ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری نشان می‌دهد که ایران با استفاده از تجاربی که از چند دور حضور در دیوان کسب کرده است و نیز بر اساس مفاد معاهده مودت، تجارت و دریانوردی ۱۹۵۵ و با در نظر گرفتن رأی سوم فوریه ۲۰۱۲ دیوان در قضیه آلمان علیه ایتالیا در حمایت از اصل مصونیت دولت‌ها، دادخواست حقوقی منسجمی در دیوان ثبت کرده است. دادخواست ایران در دیوان هم شامل مصادره حدود ۲ میلیارد دلار دارایی‌های دارای پیشوند US و هم شامل سایر دارایی‌هایی می‌شود که به هر نحو از سوی دولت آمریکا برخلاف حقوق بین‌الملل در معرض تهدید قرار گرفته‌اند. ایران از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست کرده که اعلام نماید اعمال دولت آمریکا در این خصوص برخلاف حقوق بین‌الملل است و دولت مزبور مکلف به توقف این اعمال و جبران خسارت بابت اعمال غیرقانونی گذشته است.

از منظر کوتاه مدت ثبت این دادخواست در دیوان از دو منظر اهمیت دارد. **اول** اینکه مراجعه خواهان‌های آمریکایی به دادگاه‌های کانادا و لوکزامبورگ برای شناسایی و اجرای احکام محاکم ملی آمریکا علیه ایران، نشان می‌دهد که در صورت هرگونه تعلل امکان ایجاد موجی از پرونده‌ها در کشورهای مختلف و مغرض علیه ایران وجود داشت که با شکایت تهران به دیوان از شدت این روند کاسته شد. **دوم** اینکه با ثبت دادخواست ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری و صدور دستور موقت، از برداشت از دارایی‌های توقیف شده ایران جلوگیری به عمل می‌آید. اغلب حقوق‌دانان بر این دیدگاه هستند که دیوان بین‌المللی دادگستری در صورت پایبندی به رویه قبلی خود، توجه به رویه تقنینی، قضایی و عملکردی دولت‌ها، توجه مجدد به مصونیت دولت‌ها به‌عنوان قاعده بنیادین حقوق بین‌الملل عرفی، تبعیت از کنوانسیون سال ۲۰۰۴ ملل متحد درباره مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها از

صلاحیت محاکم ملی، بر رویه خود در رأی سوم فوریه ۲۰۱۲ تأکید و با محکوم کردن آمریکا گام مهم دیگری در صیانت از حقوق بین‌الملل برخواهد داشت. به‌ویژه اینکه هم ابعاد نقض مصونیت ایران و اموال آن توسط آمریکا به مراتب بیشتر از نقض مصونیت آلمان توسط محاکم ایتالیایی می‌باشد و هم مستندات و ادله ایران در اثبات نقض عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوقی کنسولی بین ایران و آمریکا مصوب ۱۹۵۵ (۱۳۳۴) و نقض قواعد حقوق بین‌الملل عرفی توسط آمریکا، ابعاد گسترده‌تری دارد. به‌ویژه اینکه دست‌اندازی آمریکا بر اموال بانک مرکزی ایران در شرایطی است که در بند ۱۹ کنوانسیون سال ۲۰۰۴ سازمان ملل تأکید شده است دسته‌های خاصی از اموال یک دولت از جمله اموال بانک مرکزی یا دیگر مرجع مالی دولت؛ نباید مشخصاً به‌عنوان اموال مورد استفاده یا به‌قصد استفاده از سوی آن دولت برای اهداف تجاری دولتی تلقی شود. در واقع کنوانسیون راه هرگونه توجیه برای مصادره این‌گونه اموال و نقض مصونیت آن‌ها را بسته است.

قانون استثناء تروریسم مربوط به سال ۱۹۹۶ که دستاویز محاکم آمریکا برای صدور احکام علیه دولت ایران می‌باشد، نه‌تنها مغایر با قانون اساسی این کشور و اصل تفکیک قوا است بلکه دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی خود راجع به دعوی آلمان علیه ایتالیا به‌صراحت اعلام کرد استثناء تروریسم ایالات‌متحده در هیچ‌یک از قانون‌گذاری‌های کشورهای دیگر همتایی ندارد. در واقع دیوان معتقد است که دکترین بی‌اساس آمریکایی از سوی سایرین مورد شناسایی قرار نگرفته است و بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی به شمار نمی‌آید. این یافته دیوان از جهت تأیید مصونیت دولت و بانک مرکزی ایران در دعوی ایران علیه آمریکا نیز می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد. دیوان همچنین بیان داشت که اقبال اولیه گروه کاری کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۹۹ به استثناء تروریسم و عدم پیشنهاد درج آن در کنوانسیون ۲۰۰۴، مؤید آن است که آن استثناء از پذیرش بالایی در جامعه بین‌المللی برخوردار نیست. ضمن اینکه قانون سال ۲۰۱۲ کنگره آمریکا با عنوان «کاهش تهدیدات ایران و حقوق بشر در سوریه» که دخالت آشکار قوه مقننه در پروسه قضایی در آمریکا می‌باشد، با بدیهی‌ترین قواعد حقوق بین‌الملل مغایرت دارد. محاکم آمریکایی در شرایطی با ادعای بی‌اساس تسهیل تردد ایران برای عبور اعضای القاعده احکامی علیه ایران برای پرداخت غرامت به بازماندگان قربانیان حادثه یازدهم سپتامبر

صادر کرده‌اند که کنترل مؤثر عربستان سعودی بر القاعده و نقش این کشور در حادثه یازدهم سپتامبر حتی از سوی برخی از نهادهای آمریکا نیز تأیید شده است. به این دلیل به نظر می‌رسد صدور این احکام، اقدامی برای انحراف افکار عمومی از نقش عربستان سعودی به‌عنوان دیکتاتوری متحد آمریکا در غرب آسیا در حوادث تروریستی در آمریکا و اروپا می‌باشد. اقدامات آمریکا و برخی از متحدانش نظیر کانادا در ایجاد دکترین‌های بی‌پایه و نقض قواعد حقوق بین‌الملل، در صورت عدم واکنش حقوقی دیوان بین‌المللی دادگستری می‌تواند ثبات بین‌المللی را به‌خطر بیندازد و این رویه را ایجاد کند که محاکم کشورها به سهولت، اقدام به محاکمه دولت‌های دیگر و صدور احکام غرامت علیه اموال آن‌ها کنند. بر این اساس رأی دیوان در شکایت ایران علیه آمریکا در پرونده موسوم به برخی از اموال ایران از دید افکار عمومی، رأی تاریخی محسوب خواهد شد که اراده دیوان برای حمایت از نظم حقوق بین‌المللی یا حرکت به سمت بی‌ثباتی بین‌المللی را نشان خواهد داد.

۷- محورها و پیشنهادهای رسانه‌ای

- تولید برنامه‌های مستند و کارشناس محور به‌منظور تبیین وظایف و نحوه فعالیت دیوان بین‌المللی دادگستری، تفاوت آن با سایر محاکم بین‌المللی، ضمانت اجرایی احکام دیوان به‌عنوان مهمترین رکن قضایی سازمان ملل.
- از زبان حقوق‌دانان بین‌المللی تأکید شود که مصونیت دولت به‌عنوان عدم صلاحیت محاکم قضایی دیگر دولت‌ها برای رسیدگی به دعاوی علیه آن دولت یک قاعده الزام‌آور حقوق بین‌المللی عرفی می‌باشد.
- در قالب برنامه‌های مستند و کارشناس محور، با اشاره به رأی تاریخی دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی آلمان علیه ایتالیا در سوم فوریه ۲۰۱۲ م و محکومیت اقدامات ایتالیا در نقض مصونیت دولت آلمان و اموال آن، مشابهت این پرونده با پرونده شکایت ایران علیه آمریکا از زبان حقوق‌دانان تبیین گردد.
- نشست‌های دیوان بین‌المللی دادگستری درباره دو پرونده جداگانه شکایت ایران از آمریکا و ادله‌های حقوقی محکم ایران در جلسات دادگاه، به‌طور مناسب و برجسته منعکس گردد.

- علل حقوقی شکست آمریکا در طرح «ایرادات مقدماتی» ادعایی خود بر پرونده در اول می ۲۰۱۷ (ادعای تعلیق عهدنامه مودت از زمان حادثه گروگانگیری، ادعای عدم شمول دعوای ایران به عهدنامه مودت و ادعای متناقض بودن مصونیت بانک مرکزی) و همچنین ادعای عدم صلاحیت دیوان، از زبان کارشناسان ذیربط تبیین شود.
- دستور موقت دیوان در تاریخ ۱۱ مهرماه ۱۳۹۷ (صلاحیت اجمالی دیوان برای رسیدگی به دعوا) به‌عنوان اولین پیروزی ایران در این پرونده مورد تأکید قرار گیرد.
- از زبان حقوق‌دانان تأکید شود که دستور موقت ۱۱ مهرماه ۱۳۹۷ دیوان بین‌المللی دادگستری مبنی بر صلاحیت اجمالی دیوان به‌معنای صلاحیت کامل دیوان در رسیدگی به این پرونده است.
- تأکید بر لازم‌الاجرا بودن قرارهای موقت دیوان بین‌المللی دادگستری که در سال ۲۰۰۴ در پرونده «برادران لاگرانژ علیه آمریکا» نیز مورد تأکید دیوان قرار گرفت.
- بر اساس تصمیم دیوان، جمهوری اسلامی ایران لایحه کتبی خود را در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۹۸ و آمریکا لایحه متقابل کتبی خود را در تاریخ ۱۸ مهر ۱۳۹۸ باید ثبت نماید. اهمیت دارد در این فاصله زمانی برنامه‌ها و گزارش‌هایی در باره ابعاد نقض حقوق بین‌الملل توسط آمریکا، سوابق محکومیت‌های آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری و سوابق رویارویی حقوقی ایران و آمریکا در دیوان تولید گردد.
- مطابق با لایحه دفاعیه ایران، از زبان حقوق‌دانان تأکید شود مقررات عهدنامه مودت ۱۹۵۵ باید در پرتوی حقوق بین‌الملل عرفی تفسیر شود. در واقع قواعد حقوق بین‌الملل عرفی در مورد مصونیت قضایی و اجرایی دولت‌ها در تفسیر مقررات عهدنامه مودت بسیار تعیین‌کننده خواهد بود.
- در تبیین شکایت ایران از آمریکا به همه ابعاد دادخواست ایران از دیوان بین‌المللی دادگستری از جمله اعلام نقض مقررات عهدنامه مودت، ارائه تضمین از سوی آمریکا برای توقف فعل متخلفانه، برخورداری ایران و شرکت‌های دولتی ایرانی از حق بر مصونیت قضایی، به‌رسمیت شناختن شخصیت حقوقی مستقل شرکت‌های دولتی ایرانی از سوی آمریکا و الزام آمریکا به جبران خسارت و پرداخت غرامت مورد توجه قرار گیرد.

– تأکید بر رویکرد سیاسی آمریکا در دیوان به جای رویکرد حقوقی با استناد به اظهارات سیاسی ریچارد ویسک نماینده رابط ایالات‌متحده آمریکا در دیوان که ایران را به حمایت از تروریسم متهم کرده است.

– ادله حقوقی و اظهارات مستدل وکلای ایران از جمله لوک فیدال^۱، پروفسو ووا^۲، فیلیپا وب^۳، پروفسو ژان مارک توونن^۴، وردز ورث^۵ و پروفسو آلن پله^۶ در نشست‌های دادگاه به نحو مناسبی پوشش داده شود.

– اقدامات و توجیهات غیرحقوقی نمایندگان و وکلای آمریکا در نشست‌های دادگاه از جمله طرح مباحث سیاسی به جای مسایل حقوقی، طرح موضوعات مربوط به «مرحله ماهوی رسیدگی» در «مرحله صلاحیتی رسیدگی» و موارد مشابه از زبان حقوق‌دانان نقد شود.

– ضمن اشاره به عدم تاثیر خروج آمریکا از عهدنامه مودت بر روند حقوقی پرونده، از زبان حقوق‌دانان تأکید شود که ادعای آمریکا مبنی بر بی اعتباری عهدنامه مودت با عمل دولت ترامپ در فسخ عهدنامه مودت ۱۹۵۵ در تناقض است، چراکه عمل فسخ معاهده خود حاکی از آن است که دولت آمریکا بر این باور بوده است که عهدنامه مودت موافقت‌نامه‌ای کاملاً معتبر و لازم‌الاجرا بوده که این دولت خواسته با عمل فسخ به اعتبار آن پایان دهد.

– در برنامه‌های کارشناس‌محور تأکید شود که استناد به عهدنامه مودت در دیوان بین‌المللی دادگستری تا به حال در پنج مورد اتفاق افتاده است. بعد از انقلاب اسلامی یک بار آمریکا به پیمان دوستی استناد کرده و چهار بار ایران و جالب اینکه در پرونده سکوه‌های نفتی که آمریکا از عدم صلاحیت دفاع می‌کرد، علیه ایران به استناد همین عهدنامه دعوای تقابل طرح کرد.

1. VIDAL

2. LOWE

3. Philippa web

4. Thouvenin

5. Words worth

6. Allain Pellet

- ابعاد نقض مصونیت اجرایی ایران از زبان حقوق‌دانان بین‌المللی از جمله خانم فیلیپا وب به‌ویژه در شبکه پرس‌تی‌وی طرح گردد.
- در برنامه‌های کارشناس محور تأکید شود که احکام محاکم داخلی آمریکا علیه ایران مغایر کنوانسیون ۲۰۰۴ سازمان ملل درباره مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها، متضاد با رویه قضایی، تقنینی و عملکردی اکثریت کشورها، مغایر با آراء و رویه محاکم ملی و بین‌المللی از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری و اصل بنیادین استقلال و برابری حاکمیت دولت‌ها می‌باشد.
- اقدام سیاسی کنگره آمریکا در ایجاد استثناء بر مصونیت دولت‌ها با تصویب قانون فلاتو در سال ۱۹۹۶ و تصویب قانون «کاهش تهدیدات ایران و حقوق بشر در سوریه» در ۲۰۱۲م، با استناد به نظرات حقوقدانان آمریکایی و غربی مورد نقد قرار گیرد.
- از زبان کارشناسان حقوقی آمریکایی مغایرت قانون فلاتو با قانون اساسی آمریکا تبیین شود چرا که این قانون با انتقال تصمیم‌گیری درباره مصونیت دولت‌ها از قوه قضائیه به قوه مجریه، اصل تفکیک قوا را نقض کرده است.
- تشریح حقوق ایران برای اقدام متقابل با توجه به اینکه که قانون ایران اجازه می‌دهد اتباع ایرانی که ادعایی علیه دولت‌هایی که مصونیت قضائی ایران را به رسمیت نمی‌شناسند (آمریکا، کانادا و آرژانتین) دارند، می‌توانند در دادگاه‌های ایران ادعایشان را طرح کنند.
- با اشاره به احکام‌های بی‌اساس دادگاه‌های آمریکایی علیه ایران به بهانه جبران خسارات بازماندگان حادثه یازدهم سپتامبر، بر علل اجرایی نشدن قانون جاستا (شکایت بازماندگان قربانیان حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر از عربستان سعودی)، از زبان حقوق‌دانان و کارشناسان تأکید گردد.
- تبعیت کانادا از رویکردهای سیاسی آمریکا درباره مصونیت دولت‌ها از جمله اصلاحات سال ۲۰۱۲ این کشور در قانون مصونیت دولت‌ها، از زبان حقوقدانان غربی مورد نقد قرار گیرد.
- با توجه به تلاش واشنگتن برای شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های آمریکا علیه ایران در دادگاه‌های دیگر کشورها از جمله کانادا، ایتالیا و لوکزامبورگ، در برنامه‌های کارشناس محور و با استفاده از حقوق‌دانان برجسته بین‌المللی تأکید شود که این موضوع نقض قواعد مسلم حقوق بین‌المللی عرفی و متضمن مسئولیت دولت‌ها می‌باشد.

– به فراخور تحولات و با استناد به اظهارات دکتر محسن محبی رئیس مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری ایران^۱ تأکید شود که دیوان داوری ایران و آمریکا به بیش از ۴۰۰۰ پرونده رسیدگی کرده و تاکنون (۲۰۱۸م) با صدور بیش از ۶۰۰ حکم بالغ بر ۵ میلیارد دلار به طرفین پرداخت کرده است. هم‌اکنون نیز چند دعوا در این دیوان در جریان رسیدگی است که خواسته آن‌ها بالغ بر چندین میلیارد دلار است. علی‌رغم این روند، آمریکا با توسل به محاکم داخلی خود و با نقض قوانین بین‌المللی و مصونیت دولت ایران تا سال ۲۰۱۸ با صدور ۱۰۲ حکم بالغ بر ۸۰ میلیارد دلار علیه ایران اقدام نموده و هم‌اکنون نیز ۶۶ پرونده دیگر با خواسته‌هایی بالغ بر ۲۰۰ میلیارد دلار در دادگاه‌های آمریکا علیه ایران در جریان است که تمام این دعاوی ناقض مفاد عهدنامه مودت ۱۹۵۵ است.

^۱ . اظهارات دکتر محسن محبی نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران در دومین جلسه رسیدگی به شکایت ایران از آمریکا در مورد توقیف دارایی‌های بانک مرکزی در تاریخ چهارشنبه، ۹۷/۰۷/۱۸.

منابع

الف) فارسی

مقاله‌ها

- حاتمی، مهدی و سادات حسینی، فرشته (۱۳۹۵)، «مصونیت قضایی دولت با تأکید بر رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه آلمان علیه ایتالیا»، **مجله حقوقی دادگستری**، بهار، سال هشتم، شماره ۹۳.
- خضری، سیدمرتضی (۱۳۹۱)، «مصونیت دولت از نگاه حقوق بین‌الملل»، **پژوهش نامه اندیشه‌های حقوقی**، پاییز، سال اول، شماره ۳.
- رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین و همکاران (۱۳۹۲)، «مصونیت قضایی دولت خارجی در دادگاه‌های ملی با عنایت به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه مصونیت صلاحیتی دولت»، **مجله حقوقی بین‌المللی**، سال سی‌ام، شماره ۴۸.
- سادات‌میدانی، سیدحسین (۱۳۹۴)، «حق دادخواهی و مصونیت قضایی دولت‌ها»، رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در اختلاف آلمان و ایتالیا، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی**، بهار، شماره ۶۹.
- عزیزی، ستار (۱۳۹۲)، «تعامل مصونیت دولت‌ها و قواعد آمره در پرتو رأی مصونیت صلاحیتی ۲۰۱۲»، **فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران**، پاییز، دوره ۴۳، شماره ۳.
- موسوی، سیدعلی (۱۳۸۵)، «کنوانسیون ملل متحد درباره مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آن‌ها»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیستم، شماره ۴.
- مهدی‌زاده، حسین (۱۳۹۱)، «استثناء تروریسم در آیین رأی ۳ فوریه ۲۰۱۲ دیوان بین‌المللی دادگستری»، **فصلنامه علمی ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس**، زمستان، دوره سوم، شماره ۱۲.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۲)، «بازخوانی نظم برخاسته از معاهدات وستفالی»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران**، پاییز، شماره ۶۵.

منابع اینترنتی

- پایگاه اطلاع‌رسانی دولت (۹۵/۰۳/۲۹)، «جزئیات شکایت ایران از آمریکا به دیوان دادگستری بین‌المللی»، تاریخ دسترسی ۱۸ اردیبهشت ۹۶، قابل دسترسی در: <http://dolat.ir/detail/280939>
- عهدنامه مودت ایران و آمریکا (۱۳۳۶ش)، مجموعه قوانین مصوب مجلس، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تاریخ دسترسی ۲۳ فروردین ۹۶، قابل دسترسی در: <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/94974>

ب) انگلیسی

Books

- Katzman, Kenneth (2017), “**Iran Sanctions**”, Congressional Research Service, Grs Report Prepared for Members and Committees of Congress, 7-5700, RS20871, US, Library of Congress.
- Krajewski, Markus, Singer, Christopher (2012), “**Should Judges be Front-Runners? The ICJ, State Immunity and the Protection of Fundamental Human Rights**”, Max Planck Yearbook of United Nations Law.
- Yang, Xiaodong (2015), “**State Immunity in International Law**”, July, Cambridge Studies in International and Comparative Law, ISBN: 9781107535831, Cambridge.
- yearbook of the international law commission (1999), **Summary records of the meetings of the fifty-first session 3 May-23 July 1999, Jurisdictional immunities of States and their property (A/CN.4/L.576)** report of the working group, united nations publication, Volume I.
- yearbook of the international law commission (1990), **Summary records of the meetings of the forty-second session 1 May-20 July 1990, Jurisdictional immunities of States and their property (A/CN.4/415,1 A/CN.4/422 and Add.1,2 A/CN.4/431,3 A/CN.4/L.443, sect. E)**, Volume i, united nations publication.

Articles

- De Santis di Nicola, Francesco (2016), “Civil actions for damages caused by war crimes vs. State immunity from jurisdiction and the political act doctrine: ECtHR, ICJ and Italian Courts”, **International Comparative Jurisprudence**, December, Volume 2, Issue 2.
- Donoho, Justin (2009), “Minimalist Interpretation of the Jurisdictional Immunities Convention”, **Chicago Journal of International Law**: Vol. 9: No. 2, Article 12.
- Knuchel, Sevrine (2011), “State Immunity And The Promise Of Jus Cogens”, **Northwestern Journal of International Human Rights**, Volume 9, Issue 2, 2011 Spring
- Nagan, Winston, Root, Joshua (2013), “The Emerging Restrictions on Sovereign Immunity: Peremptory Norms of International Law”, the U.N. Charter, and the Application of Modern Communications Theory, **UF Law Scholarship Repository**.
- Pittrof, Sabine (2001), “Compensation Claims for Human Rights Breaches Committed by German Armed Forces Abroad During the Second World War: Federal Court of Justice Hands Down Decision in the Distomo Case”, **German Law Journal**, Vol. 15.
- Stewart, David P (2011), “The Immunity of State Officials Under the UN Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property”, **vanderbilt journal of transnational law**, Vol. 44.
- Talmon, Stefan (2012), “Jus Cogens after Germany v. Italy: Substantive and Procedural Rules Distinguished”, **Leiden Journal of International Law**, Vol. 25.

Internet Resources

- Charter of the United Nations, accessed September 17, 2016, Available from: <http://www.un.org/en/sections/un-charter/chapter-i/index.html>.
- Dissenting Opinion of Judge Trindade, Jurisdictional Immunities of States, 2012, (2012), paras 40 and 52, accessed September 21,

- 2016, Available from: <http://www.icj-cij.org/files/case-related/143/143-20120203-JUD-01-04-EN.pdf>
- Edwards, Jim, (Jul.18,2016), The 'missing' pages of the 9/11 report allege Saudi government links to the World Trade Center hijackers, accessed February 23,2017 Available from: <http://uk.businessinsider.com/911-report-missing-28-pages-allege-saudi-government-links-to-september-11-hijackers-2016-7>
 - Freezing of Iranian assets legal, Luxembourg judge rules, (March 22, 2017), The Iran Project, accessed July 04,2017,Available from: <http://theiranproject.com/blog/2017/03/22/freezing-iranian-assets-legal-luxembourg-judge-rules/>
 - germany v. italy: greece intervening, reports of judgments,advisory opinions and orders, 3 February 2012, Sales number 1031, accessed March 03,2017, Available from: <http://www.icj-cij.org/files/case-related/143/143-20120203-JUD-01-00-EN.pdf>
 - icj-cij, (June 15, 2016), accessed January 24,2017,Available from: <http://www.icj-cij.org/docket/files/164/19032.pdf>
 - icj-cij, (October 16, 2018), accessed October 23,2018, Available from:<https://www.icj-cij.org/files/case-related/175/175-20181016-PRE-01-00-EN.pdf>
 - iran threat reduction and syria human rights act of 2012, public law 112–158)aug. 10, 2012, accessed March 05,2017, Available from: <https://www.congress.gov/112/plaws/publ158/PLAW-112-publ158.pdf>
 - Iran was ordered by a U.S. judge to pay more than \$10.5 billion in damages to families of people killed in the Sept. 11, 2001, (March9, 2016), Bloomberg, accessed February 02,2017, Available from: <https://www.bloomberg.com/amp/news/articles/2016-03-10/iran-told-to-pay-10-5-billion-to-sept-11-kin-insurers>
 - Iran's World Court Case Against the United States May Impact Investment Arbitration (July, 2016), accessed April 07,2017,Available from: <https://www.bakerlaw.com/alerts/irans->

world-court-case-against-the-united-states-may-impact-investment-arbitration

- Justices to Hear Dispute Over Seizing Iran Artifacts, (JUNE 27, 2017), The New York times, accessed March 02,2017, Available from: <https://www.nytimes.com/aponline/2017/06/27/us/politics/ap-us-supreme-court-iran-us-museums.html>
- liptak, adam (april 20, 2016), Supreme Court Rules Iran Bank Must Pay for Terrorist Attacks,The New York Times, accessed November 03,2016, Available from: https://www.nytimes.com/2016/04/21/business/supreme-court-rules-iran-bank-must-pay-for-terrorist-attacks.html?_r=0
- Peterson v. Islamic Republic of Iran (July 9, 2014), No. 13-2952,2d Cir, accessed March 04,2017, Available from: <http://law.justia.com/cases/federal/appellate-courts/ca2/13-2952/13-2952-2014-07-09.html>
- Report of the International Law Commission on the work of its fifty-first session, (2000), A/RES/54/111, accessed April 03,2017,Available from: <http://legal.un.org/docs/?symbol=A/RES/54/111>
- Silverman, David (June 10, 2016), Court awards Iran’s non-diplomatic assets in Canada to terror victims in \$13-million case, accessed September 17,2016, Available from:<http://nationalpost.com/news/canada/court-awards-irans-non-diplomatic-assets-in-canada-to-terror-victims-in-13-million-case/wcm/05f2d14f-ea4d-4b94-9764-44f64181af09>
- state immunity in Canadian courts (2012), State Immunity Act,R.S.C., 1985, c. S-18, accessed June 04,2017, Available from: <http://laws-lois.justice.gc.ca/eng/acts/S-18/20120313/P1TT3xt3.html>
- state immunity in Canadian courts, (2002),State Immunity Act,R.S.C.1985,c. S-18, accessed June 04,2017,Available from:<http://laws-lois.justice.gc.ca/eng/acts/S-18/20021231/P1TT3xt3.html>
- State of signatures and ratifications of the UN Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property and the

- European Convention on State Immunity, (23 September 2011) committee of legal advisers on public international law (cahdi), accessed February 02, 2017, Available from: <http://www.coe.int/en/web/cahdi/meeting-documents?>.
- United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property (2004), accessed March 12, 2017, Available from: https://treaties.un.org/doc/source/Recent_Texts/English_3_13.pdf
 - united states: foreign sovereign immunities act of 1976, (october 21, 1976), sec 1605 to 1607, Public Law 94-583, 94th Congress, accessed November 04, 2016, Available from: <https://www.gpo.gov/fdsys/pkg/USCODE-2011-title28/html/uscode-2011-title28-partIV-chap97.htm>
 - wang, vivian, (june 29, 2017), Manhattan Skyscraper Linked to Iran Can Be Seized by U.S., Jury Finds, The New York times, accessed July 04, 2017, Available from: <https://www.nytimes.com/2017/06/29/nyregion/650-fifth-avenue-iran-terrorism.html>
 - Zoldan, Evan (September 7, 2016), “Bank Markazi and the Undervaluation of Legislative Generality, YALR LAW, accessed April 04, 2017, Available from: http://ylpr.yale.edu/inter_alia/bank-markazi-and-undervaluation-legislative-generality
 - 120 nations accuse US top court of violating law over Iran, (May. 05, 2016), The Daily Star, accessed April 04, 2017, Available from: <https://www.dailystar.com.lb/ArticlePrint.aspx?id=350811&mode=prin>